

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 5, Summer 2021, 1-16
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.6618

A Critique and Review on the Book *Scythians Warriors of Ancient Siberia*

Shahin Aryamanesh*

Sorour Khorashadi**

Abstract

The Scythians tribes were one of the nomadic tribes inhabiting large areas in the central Eurasian steppes from about the 9th century BC up until the 4th century AD. These tribes moved into parts of present-day Iran after many displacements in the first millennium BC. These tribes have played important role in central Eurasian steppes and in Persian and part of India. What scholars know about the Scythians tribes based on the writings of Herodotus. These people have played an important role in Persian and Indian epics, as well as in various historical periods of Iran, such as the Iron Age and Achaemenid and Parthian periods. Their presence in Iran has been illustrated by at least the name of one of the Iranian cities, Sakestan or Sistan, which is the name of these people. Few archaeological findings in Iran have been attributed to Scythians. However, in recent years, new burial grounds have been found which shed new light on the Scythian's presence in Persia and central Eurasian that appears to confirm the writing of historians. In recent years many articles and books have been published about Scythians based on archaeological findings. Recently a new book has been published entitled *Scythians Warriors of Ancient Siberia*. This paper critically reviews this book edited by St. John Simpson and Svetlana Pankova.

Keywords: Scythians, Horse, Burial, Ancient Siberia, Scythians Warriors.

* PhD in Archaeology, Historical Era, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran,
Aryamanesh_shahein@yahoo.com

** Assistant Professor, Department of Archeology, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author), s.khorashadi@modares.ac.ir

Date received: 07/02/2021, Date of acceptance: 15/06/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقد و بررسی کتاب جنگ جویان سکایی در سیبری باستان

A Review of *Scythians Warriors of Ancient Siberia*

شاهین آریامنش*

سُرور خراشادی**

چکیده

تیره سکایی را تیره‌ای از مردمان ایرانی دانسته‌اند که در مرغزارهای خوارزم، خاستگاه ایرانیان، خانه‌به‌دوش زندگی می‌کردند. آنان از مرغزارهای خوارزم و سیبری غربی روی به سوی جنوب نهادند و در پایین دست‌ها سکنا گزیدند و سپس دسته‌ای از آنان به شمال غرب ایران وارد شدند. این تیره در حماسه‌های ایرانی هم چون *شاهنامه* و نیز در دوره‌های گوناگون تاریخی ایران هم چون عصر آهن، هخامنشی، و اشکانی نقش مهمی ایفا کرده‌اند. حضور آنان در جنوب شرقی ایران در دوره اشکانی چنان بوده است که دست کم نام یکی از شهرهای ایران، یعنی درنگیانا، به سبب آنان به نام سیستان مرده‌ریگی تغییر می‌یابد. نیز یافته‌های باستان‌شناسی چندی از محوطه‌های گوناگون در ایران به این تیره بازخوانده شده است که هنوز هم درباره آن یافته‌ها قلم‌فرسایی می‌شود. درباره این تیره کتاب‌ها و مقاله‌هایی در سال‌های گذشته براساس یافته‌های باستان‌شناسی به زبان‌های گوناگون انتشار یافته است. به‌تازگی نیز، کتابی تحت عنوان *Scythians Warriors of Ancient Siberia* منتشر شده است که اگرچه بر سرزمین سیبری تمرکز دارد و به دیگر سرزمین‌ها نپرداخته است، باوجود این نقصان، آگاهی‌های ارزنده‌ای از این تیره برپایه جستارهای تاریخی و یافته‌های باستان‌شناسی می‌دهد. در این مقاله، کتاب موردبحث معرفی و نقاط قوت و ضعفش بیان می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سکاها، اسب، جنگ‌آوران سکایی، سیبری باستان، خاک‌سپاری.

* دکترای باستان‌شناسی، دوران تاریخی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران، Aryamanesh_shahein@yahoo.com
** استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت‌مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، s.khorashadi@modares.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۵



۱. مقدمه

سکاها قبیله‌ای جنگ‌آور از قبایل باستانی بودند که در تکوین و سیر تطور تاریخ ایران باستان نقشی به‌سزا داشته‌اند، اما به‌تأسی از رخدادهای آرام‌آرام این قوم کهن و پرآوازه تاریخ در میان اقوام پیرامون خود مضمحل شدند، به‌طوری‌که دیگر رد و نشانی از آنان جز اشارات پراکنده‌ای در کتب تاریخ باقی نمانده است. البته علت اصلی این امر را باید در ویژگی اصلی این قوم یعنی بیابان‌گردی و توطن‌نداشتن جست‌وجو کرد. منابع تحقیقی درباب احوال و فرهنگ این قوم بیابان‌گرد، به‌دلیل عدم استقرارشان در یک جا، منحصر به مقبره‌های بزرگان سکایی و اشارات پراکنده در تواریخ همسایگان آن‌هاست. از مهم‌ترین نکاتی که درباب سکاها بایستی خاطر نشان کرد یکی پراکنش وسیع و گستره حضور این خانه‌به‌دوشان و بیابان‌گردان و دیگری کثرت نام‌هایی است که در هر منطقه بدان شناخته می‌شدند (طاهری ۱۳۹۱: ۱۲۶-۱۲۵).

گروسه، پژوهش‌گر فرانسوی، بر این باور است که سکاها از مرغزارهای خوارزم و سیبری غربی به‌سوی جنوب حرکت کردند و در پایین‌دست‌ها ساکن شدند (گروسه ۱۳۶۵: ۳۳، ۳۴). سپس پیش‌روی خود را به‌سوی کرانه‌های دریای کاسپی ادامه دادند. این تیره در زبان فارسی ساکا (رضایی باغبیدی ۱۳۸۸: ۳۵-۳۶)، در زبان آشوری اشکوازی، در زبان هندی چاکا، در زبان چینی سای (Bailey 2009: 67)، و در زبان یونانی اسکوسای (Gershevitch 1985: 253) یا اسکوتهوی (گروسه ۱۳۶۵: ۳۳) نامیده شده‌اند.

اگرچه بیلی بر این باور است که سکاها هنگام مهاجرت سه دسته اصلی بودند (Bailey 2009: 67)، سنگ‌نبشته هخامنشی بیستون کرمانشاه از چهار دسته سکا نام می‌برد. سکا‌های پَر‌دَرایه یا سکا‌های آن‌سوی دریا، سکا‌های تیزخود یا تیگره‌خوده، سکا‌های هوم‌نوش یا هئومه ورگا، و سکا‌های پَر‌سوغَدَم یا آن‌سوی سغد. سکا‌های آن‌سوی دریا سکا‌های غربی بودند و باقی در شرق دریای کاسپی می‌زیستند (رضایی باغبیدی ۱۳۸۸: ۳۵-۳۷).

ردپای این تیره در شمال غرب ایران نیز دیده می‌شود، چنان‌که در متن‌های تاریخی بازتاب یافته است و به‌گفته تاریخ‌نگاری چون هرودوت، هنگامی که سکاها رو به‌سوی جنوب آوردند، از راه دربند به قفقاز رسیدند، پس از گذر از قفقاز با آشوریان روبه‌رو شدند، و در حدود سال ۶۷۸ پم نبرد بین این دو تیره در گرفت که سکاها ناکام شدند (گروسه ۱۳۶۵: ۸۷). این روی داد در کتیبه‌های آشوری نیز انعکاس یافته است، چنان‌که اسرحدون، پادشاه آشوری، در کتیبه‌هایش برای نخستین بار به این تیره اشاره می‌کند و از تاختن ایشپاکای شاه سکاها به آشور سخن می‌گوید (Luckenbill 1927: 516-546). پس از

ایشپاکای، پرتوآ شاه سکاها شد و با تدبیر خود را به اسرحدون آشوری نزدیک کرد. این نزدیکی باعث شد که سکاها با چراغ سبز آشوریان در حدود ۶۳۸ پ.م به شمال آسیای کهن بتازند و واپسین بازماندگان کیمیریان را سرکوب کنند (گروسه ۱۳۶۵: ۳۸). در کش مکش‌های سیاسی و نبردهای نظامی تیره‌های گوناگون در میانه‌های هزاره اول پیش از میلاد، فرورتیش، پادشاه مادی، به آشور اعلان جنگ داد. برای این کار، نخست پارس‌ها را تحت انقیاد خود درآورد و سپس با جلب یاری خداوندان پیشین‌ده دو ایالت مجاور خود قیامی را علیه آشور ترتیب داد. قیام به سرعت گسترش یافت و آشوریان بخش زیادی از سرزمین ماد را، که در تصرف خود داشتند، از دست دادند. رای‌زنی‌های آشوریان با سکاها، که متحد مادها در این قیام بودند، باعث خروج سکاها از اتحادیه به نفع آشوریان شد. بنابراین، جریان قیام ناتمام ماند (دیاکونوف ۱۳۸۶: ۲۴۷). با این حال، فرورتیش توانست مهم‌ترین نواحی ماد را از زیر دست آشور نجات دهد و در سه ایالت بیت‌کاری، مادای، و ساپاردا دولت واحدی تأسیس و پادشاهی مستقل ماد را برپا کند (دیاکونوف ۱۳۸۶: ۲۵۲-۲۵۳). دگربار، فرورتیش در سال ۶۵۳ پ.م به آشور تاخت (Randa 1954: 278)، اما در نبرد میان مادها و آشوریان مادیس، پسر بارتاتوا، که شاه سکاها شده بود، به یاری آشوریان شتافت و به قلمرو ماد تاخت و فرورتیش را سرنگون کرد (گروسه ۱۳۸۷: ۳۸). هرودت می‌گوید مادیس، پادشاه سکایی، ۲۸ سال به فرمان‌روایی پرداخت (Herodotus 2009: 33) که سرانجام هوشتره، شاه مادی، پادشاه سکاها، یعنی مادیس، را همراه با سرکردگانش به مهمانی فراخواند، همه را مست کرد، و کشت (دیاکونوف ۱۳۸۶: ۲۶۶). نشان و ردپای این تیره در دوره هخامنشی، اشکانی، و نیز در متن‌های حماسی‌ای هم چون *شاهنامه* دیده می‌شود. هم‌چنین، بسیاری از روایت‌های سکایی به دلیل فرمان‌روایی سکایان بر بخش‌هایی از هندوستان به *مهابهارات*، حماسه هندیان، نیز رخنه کرده است (به ادامه بنگرید).

برخلاف سیبری و دیگر سرزمین‌هایی که سکاها در آن‌جا حضور داشته‌اند، یافته‌های باستان‌شناسی اندکی از حضور سکاها در ایران وجود دارد که می‌توان به گورستان کلورز در رودبار گیلان (حاکمی ۱۳۴۷؛ حاکمی ۱۳۹۶) و خرم‌آباد مشگین‌شهر (رضالو و آیرملو ۱۳۹۳؛ رضالو و آیرملو ۱۳۹۴) اشاره کرد. با این حال، یافته‌های باستان‌شناسی در دیگر مناطق هم چون روسیه و قفقاز بسیار چشم‌گیر است و پژوهش‌گران پژوهش‌های ارزنده‌ای درباره این تیره و یافته‌های باستان‌شناسی منسوب به آنان انجام داده‌اند که به صورت مقاله و کتاب منتشر شده است. جدیدترین مقاله‌ای که تا زمان نگارش این سطور درباره این تیره انتشار

یافته نوشته ایوانچیک است که با عنوان «Scythians» در دانش‌نامه ایرانیکا در سال ۲۰۱۸ به چاپ رسیده است.

یکی از کتاب‌هایی که سال‌ها پیش درباره سکاها منتشر شده است کتاب سکاها، نوشته تامارا تالبوت رایس، متخصص تاریخ هنر روسی تبار انگلستان، است که در سال ۱۹۵۷ انتشار یافته و در سال ۱۳۷۰ش به فارسی ترجمه شده است (بنگرید به رایس ۱۳۷۰). از کتاب‌های دیگر در زمینه سکاشناسی می‌توان به کتاب سرگئی رودنکو اشاره کرد که با عنوان *Frozen Tombs of Siberia, the Pazyryk Burials of Iron Age Horsemen* در سال ۱۹۷۰ منتشر شده است. پژوهش‌های بوریس پیتروفسکی نیز بسیار مهم‌اند، چنان‌که کتاب *From the Lands of the Scythians: Ancient Treasures from Museums of U.S.S.R., 3000-100 B.C* را در سال ۱۹۷۶ و کتاب *Frozen Tombs: The Culture and Art of the Ancient Tribes of Siberia* را در سال ۱۹۷۸ منتشر کرد. کتاب دیگری در این زمینه *Scythian Gold: Treasures* را در سال ۱۹۹۹ آن را منتشر کرده است. جدیدترین کتابی که درباره تیره سکایی و یافته‌های باستان‌شناسی آن انتشار یافته کتاب *Scythians Warriors of Ancient Siberia* به کوشش «جان سیمسون» و «سوتلانا پانکوا» است که در این مقاله به معرفی و بررسی آن پرداخته می‌شود.

۲. درباره کتاب و نویسندگان

کتاب *Scythians Warriors of Ancient Siberia*، به کوشش جان سیمسون و سوتلانا پانکوا، را انتشارات تیمز و هادسون در ۳۶۸ صفحه به صورت رنگی و صفحه‌های روغنی در سال ۲۰۱۷ چاپ کرده است. این اثر جدیدترین و به روزترین کتابی است که درباره تیره سکایی منتشر شده است. کتاب به مناسبت برگزاری نمایشگاه آثار باستان‌شناسی سکایی موجود در موزه هرمیٹیج سنت پیترزبرگ روسیه در موزه بریتانیا از ۱۴ نوامبر ۲۰۱۷ تا ۱۴ ژانویه ۲۰۱۸ با عنوان *Scythians Warriors of Ancient Siberia* انتشار یافته است که پشتیبان مالی آن شرکت نفتی بی‌پی است.

کتاب در نه فصل تدوین شده و دربردارنده سه مقدمه، یک پیش‌گفتار، یادداشت‌ها، و نمایه است. در آغاز، مقدمه شرکت نفتی بی‌پی و سپس مقدمه فیشر، رئیس موزه بریتانیا در لندن، و در ادامه مقدمه میخائیل پیتروفسکی، رئیس موزه هرمیٹیج سنت پیترزبرگ، آمده است. پیش‌گفتار کتاب به قلم «جان سیمپسون» و «سوتلانا پانکوا» است.

فصل نخست کتاب با عنوان «سکاها در اوراسیا» نوشته آندری الکسی‌یف، استاد باستان‌شناسی، است. الکسی‌یف، که پیش‌تر در سمت پژوهش‌گر گروه باستان‌شناسی اروپای شرقی و سیبری در موزه هرمیٹیج مشغول به فعالیت بوده است، دکتری خود را با پژوهش درباره آرامگاه‌های پادشاهی سکایی در چرتوملیک دریافت کرده است. او دویست مقاله و هشت کتاب درباره تیره سکایی نگاشته است.

دومین فصل کتاب «مجموعه سیبری پتر بزرگ تزار روسیه» نام دارد. این فصل به قلم بانو کرولکوا نگاشته شده است. او نیز پژوهش‌گر گروه باستان‌شناسی اروپای شرقی و سیبری در موزه هرمیٹیج است و در زمینه فرهنگ کوچ‌نشینی باستان و هنر سکایی و سمرتی به پژوهش پرداخته است. وی بیش از دویست مقاله در این زمینه‌ها به رشته تحریر درآورده است.

«نخستین کوچ‌نشینان آسیای مرکزی و سیبری جنوبی» نام فصل سوم این کتاب است که کنستانتین چاگنوف آن را نگاشته است. چاگنوف پژوهش‌گر گروه باستان‌شناسی اروپای شرقی و سیبری در موزه هرمیٹیج است. او از سال ۱۹۷۷ در تووا و نیز در دامنه‌های کوهستان آلتایی به کاوش‌های باستان‌شناسی پرداخته است.

فصل چهارم کتاب «سیمای شخصی» نام دارد که نگاشته استپانوا و بانو پانکوا است. استپانوا پژوهش‌گر گروه باستان‌شناسی اروپای شرقی و سیبری در موزه هرمیٹیج و مسئول مجموعه پازیریک است. پانکوا نیز پژوهش‌گر گروه باستان‌شناسی اروپای شرقی و سیبری در موزه هرمیٹیج است و بیش‌تر به فعالیت‌های باستان‌شناسی در تووا و سیبری جنوبی پرداخته است.

فصل پنجم کتاب با عنوان «خوردن و آشامیدن و زندگی هرروزه» نوشته جان سیمپسون و استپانوا است. جان سیمپسون مسئول ارشد گروه خاورمیانه در موزه بریتانیاست و در خاورمیانه و فرارودان کاوش‌های بسیاری انجام داده است.

«جنگ‌جویان کوهستان»، نوشته چاگنوف، رجب‌کوا، و سیمپسون نام فصل ششم کتاب است. چاگنوف پژوهش‌گر گروه باستان‌شناسی اروپای شرقی و سیبری در موزه هرمیٹیج است. بانو تاتیانا رجب‌کوا مسئول مجموعه سکایی در گروه باستان‌شناسی اروپای شرقی و سیبری در موزه هرمیٹیج است که سرپرست فعالیت‌های باستان‌شناسی در کوبان جنوبی و شمال غرب قفقاز نیز بوده است.

فصل هفتم کتاب «مرگ و خاک‌سپاری» نام گرفته که آن را کرولکوا نوشته است. سکاها و ارتباطات فرهنگی آنان نام فصل هشتم کتاب است که به قلم چهار نویسنده، یعنی الکسی‌یف، کرلکوا، رجب‌کوا، و استپانوا نگاشته شده است.

فصل نهم کتاب، «از پس سکاها»، به قلم نیکولا و پانکوا است. نیکولای نیکولاو پژوهش‌گر ارشد گروه باستان‌شناسی اروپای شرقی و سیبری در موزه هرمیٹیج است. یادداشت‌های هر فصل نیز در انتهای کتاب به صورت جداگانه آمده و در پایان نیز نمایه منتشر شده است.

باتوجه به این‌که بیشینه محوطه‌های سکایی، آثار، و یافته‌های باستان‌شناسی مربوط به این تیره در قلمرو روسیه امروزی به دست آمده است، باستان‌شناسان روسی تلاش بسیاری می‌کنند تا این یافته‌های ارزنده معرفی شوند. در واقع، این کتاب حاصل پژوهش‌های سکاشناسانی است که سالیان متمادی را در این میدان به بررسی و فعالیت پژوهشی پرداخته‌اند و هم‌زمان با نمایشگاه آثار باستان‌شناسی سکایی در بریتانیا دستاوردهای خود را به صورت تک‌نگاری شایان توجهی منتشر کرده‌اند که آگاهی‌های سودمندی به علاقه‌مندان این تیره و مخاطبان این حوزه می‌دهد.

۳. نقد ابعاد شکلی اثر

کتاب در قطع خشتی بزرگ چاپ شده است. جلد کتاب از جنس سخت و آبی‌رنگ است که آن را پوشش یا کاور کاغذی سیاه‌رنگی در بر گرفته است. بر کاور نقش اسب‌سوار زرین سکایی خودنمایی می‌کند که پس‌زمینه آن آسمان تاریکی با ستاره‌های رخشان است. پشت جلد کتاب نیز دسته زرین شمشیری ترسیم شده است که انتهای دسته شمشیر سر دو قوچ پشت به هم دیده می‌شود. روی دسته شمشیر نیز نقش جانور خیزبرداشته‌ای در دو ردیف شش‌تایی حک شده است و چنین طراحی جلدی جلوه‌ای ارزنده و منحصر به فرد به اثر بخشیده است. کتاب در بردارنده پیش‌گفتار و هدف اصلی اثر است که همانا معرفی تیره سکایی به صورتی جامع بر پایه جستارهای تاریخی و یافته‌های باستان‌شناسی است.

همه کتاب بر برگ‌های روغنی چاپ شده است و تمامی تصویرها و نقشه‌های آن به صورت رنگی است، مگر عکس‌های قدیمی که به صورت سیاه‌وسفید چاپ شده‌اند. موزه بریتانیا در اقدامی شایسته از آثار مربوط به سکایان عکس‌های ارزنده و باکیفیتی تهیه کرده است. بنابراین، تصویرهای کتاب همگی از کیفیتی مناسب برخوردار است و صفحه‌آرایی آن نیز بسیار مطلوب انجام گرفته است. قلم خوبی برای نگارش انتخاب شده و قطع کتاب نیز، باتوجه به تصویرهای به نسبت بزرگ آن، بسیار مناسب است. ناشر در چاپ این کتاب، که پشتیبان مالی آن شرکت نفتی بی‌پی است، سنگ‌تمام گذاشته و آن را

در شکل و شمایل زیبا منتشر کرده است که می‌تواند الگویی برای چاپ کتاب‌هایی از این دست برای ناشران ایرانی باشد.

شیوه استناددهی کتاب به صورت یادداشت در پایان هر فصل است، هرچند بهتر آن بود که نویسندگان از استناددهی درون‌متنی بهره می‌بردند که متداول است. هم‌چنین کتاب مدنظر کتاب‌نامه ندارد و این از کاستی‌های آن به‌شمار می‌رود. نویسندگان صرفاً به یادداشت‌های پایان‌بخش هر فصل بسنده کرده‌اند که این نوع استناددهی کار خوانندگان را برای یافتن مقاله‌ها و کتاب‌ها دشوار می‌کند. با این حال، نویسندگان از جستارهای مربوط در این زمینه، هم‌چون کتاب و مقاله، به‌خوبی سود جستند و بیشینه جستارهای معتبر، موثق، و دست‌اول را دیده و خوانده‌اند. افزون‌براین، در استناددهی نیز حق امانت را رعایت کرده‌اند.

۴. نقد محتوایی کتاب

کتاب از سامان‌دهی و تدوین بسیار خوبی برخوردار است، چنان‌که فصل نخست به کیستی تیره سکایی، خاستگاه، و جایگاه آنان در اوراسیا می‌پردازد که آغازی مناسب برای معرفی سکاهاست. پس از آن، در فصل دوم به پیداشدن مجموعه‌ای از یافته‌های سکایی در سیبری و معرفی آن‌ها پرداخته می‌شود. این مجموعه، که متعلق به پتر بزرگ یا پتر یکم، تزار روسیه، بوده، دربردارنده ۲۴۰ دست‌ساخته زرین است که به فرهنگ تیره کوچ‌نشین سکایی و سرمتی تعلق دارد. این بخش، که به صورت بلندبالایی شرح داده شده است، به نخستین فعالیت‌های باستان‌شناسی در این زمینه می‌پردازد و شکل‌گیری تدریجی سکاشناسی را مرور می‌کند.

فصل سوم به نخستین کوچ‌نشینان آسیای مرکزی و سیبری جنوبی اختصاص دارد که نویسندگان باستان در نوشته‌هایشان به آنان اشاره کرده‌اند و هریک از نامی ویژه برای آنان بهره برده‌اند. در ادامه، که فصل چهارم است، ویژگی‌های فرهنگی سکاها بررسی می‌شود و نویسندگان با سودجستن از نوشته‌های تاریخی‌ای هم‌چون تاریخ هرودت و نیز یافته‌های باستان‌شناسی‌ای هم‌چون سنگ‌نوشته بیستون، نقش هدیه‌آورندگان سکایی در آپادانای تخت‌جمشید، نقش روی ظرف‌ها، پیکرک‌ها، گورها، و چیزهایی از این دست به بازسازی ویژگی‌های فرهنگی سکاها هم‌چون نوع جامه، پوشش، زیورآلات، و شیوه خاک‌سپاری، و... می‌پردازند. آیین خاک‌سپاری تیره سکایی از آیین‌های ویژه‌ای بوده است که در نوشته‌های تاریخی بازتاب یافته است. این راه و رسم خاک‌سپاری سکاها نه تنها در میان

مردمان دیگر تیره‌ها زبان‌زد بوده، بلکه در دوره حاضر نیز چشم‌های پژوهش‌گران، به‌ویژه باستان‌شناسان، را به‌خود خیره کرده است. خاک‌سپاری‌هایی که در آن مرده را همراه با اسب‌های چندی به‌خاک می‌سپردند. هرودت چنین بیان کرده است که هنگام خاک‌سپاری پادشاه، اسب، خدمت‌کار، و هم‌خوابه وی را قربانی می‌کردند و همراه با جام‌های زرین او به‌خاک می‌سپردند (هرودت ۱۳۶۲: ۲۷۱-۲۷۳). این خاک‌سپاری‌های ویژه در بسیاری از کاوش‌های باستان‌شناسی به‌دست آمده است که به‌نوعی در تأیید گفته‌های مورخان است (see Ivantchik 2018)، چنان‌که ایوانچیک در مقاله‌اش به نمونه‌های بسیاری اشاره کرده است.

فصل پنجم به شیوه زندگی سکاها می‌پردازد و آن را با شیوه زندگی مردمان قزاقستان در سده نوزدهم میلادی در فرارودان می‌سنجد. در فصل ششم، با استناد به نوشته‌های تاریخی و نیز شمایل‌نگاری یافته‌های باستان‌شناسی، جنگ‌جویان سکایی و سازوبرگ‌های نظامی آنان هم‌چون کمان، خنجر، سپر، تبر، پیکان، شمشیر، و چیزهایی از این‌دست بررسی و شماری از اشیای آنان معرفی می‌شود. در فصل هفتم، با بهره‌بردن از بقایای باستان‌شناسی، شیوه خاک‌سپاری سکاها و نوع گورهای آنان بررسی می‌شود. فصل هشتم به برهم‌کنش‌های فرهنگی سکاها با دیگر تیره‌ها در اوراسیا اختصاص دارد و به هم‌سنجی یافته‌های سکایی با یافته‌های دیگر قوم‌ها می‌پردازد و تأثیر و تأثر آن‌ها را واکاوی می‌کند. برای نمونه، در این فصل، گل‌نوشته‌های یافت‌شده از محوطه قویونجیک در نینوا در شمال عراق، که هرمز رسام در آن‌جا به کاوش باستان‌شناسی پرداخته بود، گنجانده شده است که در آن به ارتباط و اتحاد آشوریان و سکایان اشاره می‌شود. در این گل‌نوشته‌ها از ازدواجی سیاسی سخن رفته است؛ چنان‌که پرتوآ، شاه سکایی، از دختر اسرحدون برای پسرش خواستگاری می‌کند که گویا پاسخ اسرحدون به درخواست او مثبت بوده است و این ازدواج به اتحاد دو تیره می‌انجامد. این ازدواج سیاسی باعث ایستادگی مادیس در برابر دشمنان آشوریان شده است. واپسین فصل نیز برابندی ارزنده درباره سکاهاست.

بنابر آن‌چه گفته شد، نظمی منطقی بر سراسر کتاب حکم‌فرماست و فصل‌ها به‌ترتیب از پس هم آمده است. نام و فهرست کتاب با مطالب و فصل‌های آن منطبق است و از دید جامعیت محتوایی موفق بوده است. اگرچه کتاب درباره سکاها و یافته‌های آنان در سیبری است و گاه از یافته‌های باستان‌شناسی مربوط به ایران، که به‌نوعی در پیوند با سکاهاست، بهره برده است، بهتر آن بود که اگر نه یک فصل دست‌کم بخشی از نوشته‌های یکی از فصل‌ها به حضور سکاها در ایران نیز اختصاص می‌یافت.

می‌دانیم که برخی پژوهش‌گران ریشه مشترک بسیاری از داستان‌های شاهنامه فردوسی و حماسه ملی چین با عنوان فنگشن‌ینی را در روایت‌های تیره‌های سکایی می‌دانند که از پس پراکنش آنان به سوی ایران و چین این روایت‌ها وارد حماسه‌های ملی ایرانیان و نیز چینیان شده است، چنان‌که برخی از داستان‌ها هم‌چون نبرد میان پدر و پسر در داستان رستم و سهراب و داستان زال در این دو حماسه ایرانی و چینی مشترک است (کویاجی ۱۳۵۰).

چنان‌که پیش‌تر نیز اشاره شد، سکاها در هزاره نخست پیش از میلاد در شمال غرب ایران حضور بسیار مهمی داشته‌اند. هم‌چنین در دوره هخامنشی، داریوش بزرگ به نبرد با آنان پرداخت و سکونخای سکایی، رهبر سکاها، تیزخود، را شکست داد. شکست‌دادن سکونخای سکایی چنان روی داد مهمی بود که داریوش دستور داد تا متن عیلامی سنگ‌نوشته بیستون را پاک کنند و آن را در سمت چپ قسمت پایین کنار متن تازه فارسی باستان بیاورند و نقش سکونخای سکایی را به انتهای صف اسیران نقش برجسته بیستون بیفزایند (کخ ۱۳۸۶: ۳۵). داریوش بزرگ، در پی سکاها، به غرب و شمال غرب دریای سیاه لشکر کشید که او در این نبرد به پیروزی و کام‌یابی دست نیافت. تاریخ پژوهان تاریخ‌های گوناگونی برای این روی داد پیش‌نهاد کرده‌اند که معمولاً بین سال‌های ۵۲۰ تا ۵۰۷ پ‌م است، اما تاریخی که به نظر درست می‌رسد، به احتمال زیاد ۵۱۳ پ‌م است که پیر بریان بیان کرده است (Briant 2002: 141-146, 904).

این تیره هم‌چنین در دوره اشکانی حضور پررنگی داشتند، چنان‌که فرهاد دوم برای نبرد با آنتیوخوس هفتم، شاه سلوکی، دسته‌های نظامی سکایی را به‌عنوان مزدور فراخواند، اما پیش از رسیدن سکاها نبرد پایان یافت. از همین روی، شاه اشکانی آنان را سرزنش کرد که به‌عمد تأخیر داشته‌اند و دست‌مزد آنان را نپرداخت. بنابراین، سکاها به ویرانی دست زدند و فرهاد دوم با هدف گوش‌مالی دادن آنان به نبردشان رفت، اما در سال ۱۲۸ پ‌م کشته شد (شیپمن ۱۳۸۶: ۶۵). سپس سکاها در سال ۱۳۰ پ‌م در جنوب شرقی ایران در زرنگ سکنا گزیدند (Curtis and Stewart 2007: 28) و نام این اقلیم به سکستان و سپس سیستان تغییر یافت (بهار ۱۳۷۴: ۵۰). شماری از پژوهش‌گران این احتمال را قائل‌اند که خاندان سام و زال و رستم در شاهنامه فردوسی همان سکاها، همانند آن‌که در زمان مهرداد دوم از فرغانه به درنگیان کوچیدند (رامسکوویچ ۱۳۶۲: ۱۹۱). هم‌چنین، اگر از یافته‌های منسوب به سکاها در کاوش‌های جدیدی که در شمال غرب ایران در محوطه خرم‌آباد مشکین‌شهر انجام شده است (بنگرید به رضالو و آیرملو ۱۳۹۳؛ رضالو و آیرملو ۱۳۹۴) چشم‌پوشی کنیم، چراکه

اطلاعات مربوط به آن‌ها هم به‌تازگی منتشر شده و هم به زبان فارسی است و استفاده غیرفارسی‌زبانان را دشوار می‌کند، بر کاوش‌های علی حاکمی در رودبار گیلان نمی‌توان چشم پوشاند که مقاله‌ای هرچند کوتاه دربارهٔ محوطه‌های باستانی رودبار هم‌چون کلورز و یافته‌های آن به زبانی غیر از فارسی منتشر کرده بود (see Hakemi 1968). النا کوزمینا، باستان‌شناس سرشناس روسیه، در کتاب پرآوازه‌اش، *The Origin of the Indo-Iranians*، با استناد به همین یافته‌ها به تحلیل موضوع پرداخته است (Kuzmina 2007: 367). در واقع، نویسندگان این کتاب می‌توانستند به پژوهش‌هایی اشاره کنند که به ارتباط تیرهٔ سکایی با ایرانیان تمرکز دارند و نیز دست‌کم به تلاش‌های اندکی که در ایران دربارهٔ شناخت این تیره انجام شده است.

هم‌چنین، نویسندگان این کتاب می‌توانستند به دودمان هندی‌سکایی اشاره‌ای داشته باشند و از یافته‌های باستان‌شناسی آنان سود جویند که در افغانستان به‌دست آمده است. می‌دانیم که سکاها، افزون‌بر زرنگ، کابل را نیز گرفتند و پس‌از آن بخش‌هایی از هندوستان را به‌زیر پرچم خود درآوردند و حکومتی را بنیان نهادند که به حکومت هندی‌سکایی پرآوازه شد (Neelis 2007). فرمان‌روایی سکاها باعث شد که بسیاری از روایت‌های سکایی به *مهابهارات*، حماسهٔ هندیان، رخنه کند (دارمستر ۱۳۵۴: ۱۷-۳۳) و افزون‌بر آن، در بسیاری از آثار هنری آنان نیز تأثیر نهد.

هرچند پیش‌تر کتاب‌هایی هم‌چون *سکاها نوشتهٔ تامارا تالبوت رایس (۱۳۷۰)*، *امپراتوری صحرانوردان نوشتهٔ رنه گروسه (۱۳۶۵)*، *Iranians and Greeks in South Russia* نوشتهٔ میخائیل ایوانویچ روستوفتسف که در سال ۱۹۲۲ منتشر شده، یا *Nomads of the Eurasian Steppes in the Early Iron Age* که به‌کوشش دیویس-کیمبل و ولادیمیر باشیلوف و لئونید یابلونسکی در سال ۱۹۹۵ انتشار یافته است، و نیز کتاب *Frozen Tombs of Siberia: The Pazyryk Burials of Iron-Age Horsemen* نوشتهٔ سرگئی رودنکو دربردارندهٔ نوشته‌ها و مقاله‌هایی دربارهٔ کوچ‌نشینانی چون سکاها و سرمت‌ها منتشر شده بود، کتاب موردبخت هم‌چنین از دید علمی و چه از دید فنی کتابی به‌روز است که درعین بهره‌بردن از جستارهای تاریخی، یافته‌های باستان‌شناسی، و نیز هم‌سنجی یافته‌های باستان‌شناسی محوطه‌های سکایی با دیگر محوطه‌های همانند از ابزارهای مناسب، یعنی تصویرها و نقشه‌های عالی، برای تفهیم موضوع سود جسته است. اگرچه برخی تصویرهای چاپ‌شده در کتاب پیش‌تر نیز در کتاب‌های دیگری منتشر شده بود، در این کتاب تصویرها با کیفیتی کم‌بدیل با جزئیات و اندازهٔ دقیق آثار چاپ شده است که این جزئیات نه‌تنها راه‌گشای باستان‌شناسان

و تاریخ‌هنرشناسان در پژوهش‌هایشان است، بلکه مخاطبان عام نیز می‌توانند این کتاب را بخوانند و آگاهی‌های ارزنده‌ای دربارهٔ سکاها کسب کنند.

پیش‌تر نیز گفته شد که سکاها با دیگر تیره‌های ایرانی پیوندی تنگاتنگ داشته‌اند و در برهه‌هایی از تاریخ این سرزمین نقش مهمی ایفا کرده‌اند (بنگرید به بالا). از این‌روی، این کتاب برای خوانندهٔ ایرانی نیز سودمند است، چراکه می‌تواند تاریخ و زندگی و هنر این تیره را در دیگر سرزمین‌ها دریابد.

روش این پژوهش از نوع پژوهش‌های تاریخی و باستان‌شناسی است، چنان‌که پژوهش‌گران در گام نخست از متن‌های کهن، هم‌چون تاریخ هرودت و... بهره برده‌اند و در ادامه یافته‌های باستان‌شناسی را هم‌چون تدفین، معماری، نقش‌های حک‌شده روی آثار زرین و سیمین، و چیزهایی از این دست، که از محوطه‌های سکایی به‌دست آمده است، بررسی، واکاوی، و تحلیل کرده‌اند.

نویسندگان هم‌چنین از ره‌یافت تاریخی یاری جسته‌اند تا از طریق هم‌سنجی اطلاعات، شواهد، و مدارک تاریخی با شواهد و داده‌های باستان‌شناختی به‌دست‌آمده از پژوهش‌های میدانی در محوطه‌های باستانی و به‌کارگیری آن‌ها در تبیین و تفسیر اطلاعات گردآوری‌شده تاریخ سکاییان باستان را بازسازی کنند.

۵. نتیجه‌گیری

اگرچه کتاب جنگ‌جویان سکایی در سبیری باستان به‌مناسبت برگزاری نمایشگاه آثار باستان‌شناسی سکایی موجود در موزهٔ هرمتیج سنت‌پیترزبرگ روسیه در موزهٔ بریتانیا، که از ۱۴ نوامبر ۲۰۱۷ تا ۱۴ ژانویهٔ ۲۰۱۸ دایر بود، منتشر شده است، فقط به یک کاتالوگ رنگین که معرفی از آثار زرین و سیمین و چشم‌نواز باشد فرونغلتیده است و نویسندگان در همتی ستودنی تلاش کرده‌اند تا آگاهی‌های ارزش‌مندی از تیرهٔ سکایی، شیوهٔ زیست، ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی، و خاک‌سپاری آنان برپایهٔ نوشته‌های تاریخی و نیز یافته‌های باستان‌شناسی ارائه کنند.

در یک ارزیابی کلی و همه‌جانبه، این اثر در قطع خشتی بزرگ، با جلد سخت به‌رنگ آبی چاپ شده است که آن را پوشش یا کاور کاغذی سیاه رنگی احاطه کرده است. کتاب بر برگ‌های روغنی نوشته شده و همهٔ تصویرها و نقشه‌های آن به‌صورت رنگی است، مگر عکس‌های قدیمی که سیاه‌وسفیدند. تصویرهای کتاب همگی باکیفیت، صفحه‌آرایی اثر

بسیار مطلوب، و قلم نگارش آن نیز مناسب است. هم‌چنین، قطع کتاب در تناسب و هماهنگی کامل با تصویرهای به‌نسبت بزرگ آن لحاظ شده است.

از منظر انسجام مطالب، کتاب از تدوین و سامان‌دهی مطلوبی برخوردار است و فصل‌های آن در نظامی منطقی به‌ترتیب از پس هم آمده است. اگرچه اثر دربارهٔ سکاها و یافته‌های آنان در سبیری است و گاه از یافته‌های باستان‌شناسی مربوط به ایران که به‌نوعی در پیوند با سکاهاست سود جسته است، بهتر آن بود که به حضور سکاها در ایران اشاره‌ای بیش‌تر می‌داشت. چنان‌چه از کاوش‌های جدید محوطهٔ سکایی خرم‌آباد مشگین‌شهر به‌دلیل متأخر بودن و فارسی بودن آن چشم‌پوشی کنیم، کاوش‌های علی حاکمی در رودبار گیلان را نمی‌توان نادیده انگاشت که مقاله‌ای هرچند کوتاه دربارهٔ محوطه‌های باستانی رودبار هم‌چون کلورز و یافته‌های آن به زبانی غیر از فارسی منتشر کرده بود. درواقع، شایسته بود نویسندگان این کتاب دست‌کم به تلاش‌های اندکی که در ایران برای شناخت تیرهٔ سکایی انجام شده است اشاره‌ای داشته باشند. افزون‌براین، نویسندگان می‌توانستند به دودمان هندی سکایی نیز بپردازند و از یافته‌های باستان‌شناسی آنان که در افغانستان به‌دست آمده است، استفاده کنند. نظر به موارد پیش‌گفته، می‌توان چنین اذعان داشت که یکی از کاستی‌های کتاب این است که نویسندگان اهمیت چندانی به سکاها در دیگر سرزمین‌ها نداده‌اند و صرفاً به اشاره‌هایی کوتاه دربارهٔ آن‌ها بسنده کرده‌اند.

شیوهٔ استناددهی کتاب به‌صورت یادداشت در پایان هر فصل است؛ شیوه‌ای که خوانندگان را برای یافتن مقاله‌ها و کتاب‌ها به‌زحمت می‌اندازد. پس، بهتر می‌بود استناددهی درون‌متنی به‌کار گرفته می‌شد که شیوه‌ای مرسوم و متداول است. یکی دیگر از کاستی‌های کتاب نداشتن کتاب‌نامه است. باین‌حال، نویسندگان از بیشینهٔ جستارهای معتبر و دست‌اول مرتبط با موضوع سود جسته‌اند و در استناددهی نیز حق امانت را رعایت کرده‌اند.

کتاب‌نامه

رایس، تامارا تالبوت (۱۳۷۰)، سکاها، ترجمهٔ رقیه بهزادی، تهران: یزدان.

Hakemi, A. (1968), "Kaluraz and the Civilization of the Medes", *Archaeologia, Viva I*.

Piotrovsky, B. (1976), *From the Lands of the Scythians: Ancient Treasures from Museums of U.S.S.R., 3000-100 B.C*, Metropolitan Museum of Art.

Piotrovsky, B. (1978), *Frozen Tombs: The Culture and Art of the Ancient Tribes of Siberia*, British Museum Press.

- Reeder, E. D. (1999), *Scythian Gold: Treasures From Ancient, Ukraine*, Harry N. Abrams.
- Rostovtzeff, M. I. (1922), *Iranians and Greeks in South Russia*, London: Oxford University Press.
- Rudenko, S. I. (1970), *Frozen Tombs of Siberia, The Pazyryk Burials of Iron Age Horsemen*, M. W. Thompson (trans. and Prefa.), Berkeley and Los Angeles: University of California Press.
- Simpson, St John S. Pankova (2017), *Scythians: Warriors of Ancient Siberia*, Thames & Hudson.

برای آگاهی بیش‌تر

- بهار، مهرداد (۱۳۷۴)، جستاری چند در فرهنگ ایران، تهران: فکر روز.
- حاکمی، علی (۱۳۴۷)، «اشیای فلزی مکشوفه در کلورز گیلان»، در: یادنامه پنجمین کنگره بین‌المللی باستان‌شناسی و هنر ایران، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- حاکمی، علی (۱۳۹۶)، گزارش کاوش‌های رودبار گیلان، ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷ خورشیدی، به‌کوشش شاهین آریامنش، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردش‌گری.
- دارمستتر، م. ژ. (۱۳۵۴)، «وجوه مشترک مهابهارات و شاهنامه»، ترجمه جلال ستاری، هنر و مردم، ش ۱۵۳.
- دیاکونوف، ایگور میخائیلوویچ (۱۳۸۶)، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران: علمی و فرهنگی.
- رامسکوویچ، الکساندر (۱۳۶۲)، «حماسه در ایران باستانی و ایران کنونی»، هزاره فردوسی، تهران: دنیای کتاب.
- رضالو، رضا و یحیی آیرملو (۱۳۹۳)، «آیین تدفین اسب در میان اقوام سکایی، مطالعه موردی گورستان خرم‌آباد مشگین‌شهر»، جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۶، ش ۳.
- رضالو، رضا و یحیی آیرملو (۱۳۹۴)، «شواهد باستان‌شناختی جدید از حضور تاریخی اقوام سکایی در ایران»، فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی، ش ۲۸.
- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۸)، تاریخ زبان‌های ایرانی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- طاهری، محمد (۱۳۹۱)، «جایگاه و تأثیر قوم سکایی در تاریخ و شاهنامه فردوسی»، متن‌شناسی ادب فارسی، س ۴۸، ش ۱۳.
- کخ، هاید ماری (۱۳۸۶)، از زبان داریوش، ترجمه پرویز رجبی، تهران: کارنگ.
- کویاجی، جهانگیر (۱۳۵۰)، «افسانه‌های شاهنامه و مشابه چینی آن‌ها»، ترجمه جلیل دوست‌خواه، فرهنگ و زندگی، ش ۷.
- گروسه، رنه (۱۳۶۵)، امپراتوری صحرانوردان، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران: علمی و فرهنگی.
- هرودت (۱۳۶۲)، تاریخ هرودت، ترجمه انگلیسی جورج راولینسون، ترجمه فارسی غ. وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.

- Bailey, H. W. (2009). *Indo-Scythian Studies Being Khotanese Texts*, Cambridge University Press.
- Barnett, R. D. (1956), "The Treasure of Ziwie", *Iraq*, vol. 18.
- Briant, P. (2002), *From Cyrus to Alexander: A History of the Persian Empire*, Winona Lake, In.
- Gershevitch, I. (ed.) (1985), *The Cambridge History of Iran; The Median and Achaemenian Periods*, vol. 2, Cambridge: Cambridge University Press.
- Herodotus (2009), *The Histories*, George Rawlinson (trans.), London: Digireads.
- Ivantchik, A. (2018), "Scythians", *Encyclopædia Iranica*, online edition.
- Kuz'mina, E. E. (2007), *The Origin of the Indo-Iranians*, J. P. Mallory (ed.), Leiden: BRILL.
- Luckenbill, D. D. (1927), *Ancient records of Assyria and Babylonia*, vol. 2, Chicago.
- Neelis, J. (2007), "Passages to India: Śaka and kusāna Migration Routes in Historical Contexts", Doris Srinivasan (ed.), *On the Cusp of an Era: Art in the Pre-Kushan World*, Leiden: Brill.
- Randa, A. (1954), *Handbuch der Weltgeschichte*, vol. 1, Zürich: Otto Walker.
- Sarkhosh Curtis, V. and S. Stewart (2007), *The Age of the Parthians*, London: I. B. Tauris.
- Simpson, St. John and S. Pankova (2017), *Scythians Warriors of Ancient Siberia*, London: Thames and Hudson/ British Museum.